

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله

و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بعد از مقدمات مفوته مرحوم نائینی قدس الله نفسه متعرض به اصطلاح تعلم شد که وجوب تعلم باشد ، متعرض این قسمت شد و اینکه حکم تعلم چیست ؟ ببینید این یک مقداری البته اینجا دیگر چون چاره ای هم نبود این آقایان البته می توانستند بهتر چاپ بکنند در اینجا مسائل را مرحوم نائینی خیلی طولانی گفته بعضی از مقامات را به هم پاشیده یک مقدارش به هم پاشیده است ، من الان مجبورم اگر آقایان این کتاب همین چاپی که در دست من هست برای جامعه ی مدرسین دقت بکنند حالا قبل از آن در بحث اقلا انسجام بحث را خدمتشان عرض بکنم در این کتاب .

در این صفحه ی ۲۰۴ که در اینجا هست که امروز می خواهیم بخوانیم ان شاء الله ۲۰۴ ، جلد ۱ :

واما الکلام فی المقام الثانی :

وهو باب وجوب تعلم الاحکام.

این و اما الکلام در مقام ثانی ، مقام اولش این است که ایشان در صفحه ی ۱۹۶ می فرمایند به اینکه ، البته از ۱۹۷ شروع می کنند ایشان از ۱۹۷ :

انه تارة : يقع الکلام فی المقدمات المفوتة لإ ،

ببخشید ۱۹۵ معذرت می خواهم بعد در ۱۹۶ می آیند می فرمایند به اینکه بحث می شود در مقدمات مفوته :

فی المقدمات العلمية ،

این در صفحه ی ۱۹۶ است آن وقت مقام اول :

المقام الأول : فی المقدمات المفوتة ،

مقدمات مفوته را در مقام اول آوردند ایشان در مقام اول مقدمات مفوته را نقل کردند عرض کنم که رضوان الله تعالی علیه این صفحه ی

۱۹۶ مقدمات مفوته است این چند روزه صحبت کردیم و در صفحه ی ۲۹۴ :

واما الکلام فی المقام الثانی :

این اما المقام الثانی عطف است به صفحه‌ی ۱۹۶ و باز این المقام الثانی چون مقام اول در مقدمات مفوته بود ، بحث تعلم را مطرح می‌کند تا صفحه‌ی ۲۰۸ اینجا تعلم را مطرح می‌کند از ذیل این صفحه‌ی ۲۰۸ یک مطلبی را راجع به مقدمات مفوته دارد ، به هم ریخته است :

بقی فی المقام ، التنبیه علی بعض المسائل الفقهیة ، التي توهم انها تبتنی علی تصحیح الواجب المعلق والشرط المتأخر معا .

این مربوط است به اصل همان بحث واجب معلق و مقدمات مفوته ؛

یکی از حضار : وجوب تعلم ربطش به بحث ما چیست ؟

آیت الله مددی : بحث اینکه ایشان می‌گویند که شیخ گفته تعلم هم از باب مقدمات مفوته است .

یکی از حضار : مقدمات علمیہ ؟

آیت الله مددی : ها مقدمات علمیہ را ،

پس از صفحه‌ی ۲۰۸ ایشان دو مرتبه برمی‌گردند به همان بحث واجب معلق و کلام صاحب فصول و اینجا دقت کردید در ذیل تعلم آوردند ، بقی فی المقام ، حالا در چاپ کتاب باید چطوری اینجا را جدا می‌کردند که منشاء اشتباه نشود این از صفحه‌ی ۲۰۸ ایشان در اینجا وارد می‌شوند بعد می‌آیند در صفحه‌ی ۲۱۳ :

بقی فی المقام : حکم صورة الشک ،

این مطلب ایشان که در صفحه‌ی ۲۱۳ است این عطف است به این مطلبی که در صفحه‌ی ۲۱۳ که ایشان مطلبی دارند ، ببینید در صفحه‌ی ۱۸۳ ، آن صفحه‌ی ۲۱۳ بود این صفحه‌ی ۱۸۳ یعنی حدود ۳۱ صفحه ، ۳۰ صفحه بعد است ، در ذیل صفحه‌ی ۱۸۳ دارند:

واما فی عالم الاثبات فالمتبع هو لسان الدلیل ،

تعبیر ایشان این است که متبع لسان دلیل است ؛

وما استفاد منه بحسب القرائن ومناسبات الحكم والموضوع. فان استفيد منه انه مقدمة وجوبية فهو ، وان استفيد انه مقدمة وجودية كانت لازمة التحصيل. وان لم يمكن استفادة أحد الوجهين من الأدلة ووصلت النوبة إلى الشك ،

این صفحه‌ی ۱۸۳، صفحه‌ی ۲۱۳ این شک است ، عطف است به آنجا روشن شد به ۳۰ صفحه‌ی قبل این صفحه‌ی چیزش عطف است به آنجا آن وقت در صورت شک هم که ایشان بحث می‌کنند بعد از بحث صورت شک که اصلاً صوری را برای شک تصور می‌کنند تا صفحه‌ی ۲۱۹ از ۲۱۳ تا ۲۱۹ تهمه‌ی بحث است در صفحه‌ی ۲۱۹ این بحث شک تمام می‌شود واجب مطلق و مشروط تمام می‌شود این تقسیم اول واجب بود ، تقسیم اول واجب به مطلق و مشروط بود و بعد هم مساله‌ی واجب معلق را متعرض شدند و توضیحاتی دادند این فصل اول ، یعنی تقسیم اول .

یعنی بعبارة اخرى در بحث اوامر بعد از اینکه امر ظهور در وجوب دارد ایشان متعرض اقسام واجب شدند ، عرض کردم چند بار است الان عرض کردم در کتب اهل سنت تعرض به اقسام وجوب اصلاً یک باب دیگری است در این باب نیست ، اصلاً یک فصل دیگری گذاشتند یعنی کتاب را تقسیم کردند به مثلاً پنج تا کتاب یک کتاب در باب احکام است ، کلاً . وجوب و اقسام وجوب و اینها ؛ یک بحث راجع به ظهورات و به حساب مقدمات یعنی بحث ظهورات چه صغری و چه کبرای ظهورات ، اولاً کبرای ظهورات ، حجیت کبرای ظهورات هم نیاوردند اینجا عرض کردم .

در کتاب ما در جاهای متفرق آمده است حجیت ، بعد در صغری بحث کردند مثلاً چه در چه ظهور دارد ؟ یکی هم افعال در وجوب ، دقت کردید ؟ بحث ظهورات در آنجا آوردند ، بحث سومش هم کتاب سومشان در مصادر تشریع است که کتاب و سنت و عقل و اجماع و از این حرف‌ها باشد بحث چهارمشان هم در حجج و امارات است ، بحث پنجم هم در اصول عملیه دقت کردید این تقسیم اصول .

عرض کردیم البته اهل سنت باز روی اصول عملیه به مقدار ما کار نکردند ما زیادتر کار کردیم ، اگر بخواهیم تقسیم اصول را روی کل ابحاثی که علمای اصول از قرن دوم شروع کردند به نوشتن تا این لحظه‌ای که من در خدمتان هستم تغییر ندهیم همان را درست جابجا بکنیم همان بحث‌هایی که تا حالا شده هر کدام را در جای خودش قرار بدهیم این ترتیب بحث این جوری است روشن شد ؟ پنج کتاب است بحث اول در حقیقت حکم و تقسیم حکم و حکم وضعی و حکم مولوی و انشائی و فلان و الی آخره و اقسام وجوب و اقسام استحباب و مباح و اقسام مکروه و الی آخره ، این بحث در آنجا بیاید .

بحث دوم بحث ظهورات است که یک مقدمه ای داشته باشد و آن مقدمه در اصل لغت و حقیقت وضع و اینها که این مقدمه که در وضع است مثلاً صاحب کفایه در مقدمه ی کل اصول آورده است بحث وضع را در مقدمه ی کل اصول ، نه این مناسب با مقدمه ی فصل دوم است دقت کردید ؟ این مناسب است در آنجا آورده بشود نه مقدمه ی کل کتاب ، ایشان ۱۳ تا مقدمه آورده که معظمش در باره ی وضع داشت مربوط به وضع نیست بقیه اش مربوط به وضع و مجاز و مشترک و فلان و از این حرف ها ، استعمال لفظ در اکثر از معنا .

و عرض کردم این مطالبی را که من عرض کردم در کتب ما خیلی متفرق آمده است ، بحث سومش هم بحث مصادر تشریع است که عرض کردم مصادر تشریع در مجموعه ی فرق اسلامی حدود به نظرم ۲۰ تا می رسد ما که حساب کردیم حساب اجمالی ، سر انگشتی حدود ۲۰ تایی می شود که مجموعاً چند تا باشند ، این برای مصادر تشریع و بحث چهارم حجج و امارات خبر واحد ، ظواهر و الی آخره و بحث پنجم هم اصول عملیه این کار را بکنیم ما در حقیقت تمام کتب اصولی که در این از قرن دوم نوشته شده تا حالا جمع و جورش کردیم شکل به آن دادیم کل مباحث اصولی که اهل سنت و شیعه و زیدیه و امامیه همه ی فرق ، فرق اسلامی نوشتند کلاً در این پنج باب می شود اگر بخواهیم به اصطلاح یک دوره ی اصول جدید بنویسیم که منظم باشد سر و ته داشته باشد بعضی هایش در کتب زیدیه آمده در کتب سنی ها آمده است بعضی هایش هم در کتب ما متفرقات آمده است الی آخره .

علی ای حال این مطلب ان شاء الله روشن شد برایتان ، این مطلب یعنی این کتاب

آن وقت در صفحه ی ۲۱۹ که عرض کردم :

وینقسم الواجب أيضا إلى نفسي وغيري

این برمی گردد به اول واجب مطلق و مشروط ، تقسیم اول واجب مطلق و مشروط بود تا اینجا بحث ها برای تقسیم واجب مطلق و مشروط است از این صفحه ی ۲۱۹ تقسیم جدید واجب نفسی واجب غیری نمی دانم روشن شد مطلب یا نه ، این راجع به این قسمتی که من گفتم چون دیدم که خیلی به هم پاشیدگی پیدا کرد ، یعنی پاشیدگی اش نه به خاطر به اصطلاح ، با اینکه حالا خدا رحمت کند مرحوم آقای کاظمی سعی کرد بگوید مقام اول ، مقام دوم ، بقی الکلام ، لکن در چاپ کتاب خوب بود اینها را یک جوری حل و ربط هایشان را به هم نزدیک می کردند اینها متعارف این است که اگر یک تقسیم اصلی هست فرض کنید با حروف درشت تری نوشته بشود تقسیمات فرعی را با حروف ریزتری می نویسند ، درشت می نویسند اما یک کمی از آن کوچکتر متن کتاب هم بایک حروف خاص خودش ایشان همه را

یکنواخت نوشته است ، متن کتاب که یکنواخت است تقسیمات اصلی و فرعی را با یک حروف یکنواخت نوشته است ، متعارف نیست این الان به طور متعارف نیست .

وهو باب وجوب تعلم الاحکام. فحاصله : انه يظهر من الشيخ قده في آخر مبحث الاشتغال ،

نمی دانم دستگاه های شما کار می کند یا نه اینجا ایشان نوشته که:

في ما يعتبر في العمل بالأصل. شرط البراءة. ص ۲۸۲ .

به نظرم از این ارجاعی که داده چاپ همین ملا رحمة الله باشد نمی دانم در این دستگاه های شما چاپ ملا رحمة الله است یا این چاپ جدیدی که در قم شده چند جلد است ، سه جلد است یا دو جلد است بله آقا ؟

یکی از حضار: چهار جلد است .

آیت الله مددی: چاپ جدید چهار جلد است ؟

یکی از حضار: بله .

آیت الله مددی: این چاپ رحمة الله اینکه ایشان صفحه ی ۲۰۰ به نظرم چاپ ملا رحمة الله باشد .

یکی از حضار: عبارتش را اگر یک تکه بفرمایید سرچ کنیم .

آیت الله مددی: نیاورده است من چرا دارم صحبت می کنم ، خوب این صحبت من برای چیست چون ایشان نیاورده است ، اگر آورده بود که ، این دقت کردید ، ملتفت شدید می خواستم بقیه اش را بگویم شما زودتر فرمودید .

الان این جور مطالب را این ارجاع به صفحه داده است ، الان در کارهای جدید که می شود چون این معلوم می شود که نیم سطر عبارت است ، یک سطر عبارت است دقت می کنید ، در این جور جاها غیر از صفحه سطر را هم معین می کنند ، صفحه ی فلان ، سطر فلان و چون شاید استظهار است متن عبارت را در حاشیه می آورند دقت کردید ، این می خواهم ما در ضمن بحث هایی که راجع به کتاب می کنیم کیفیت تحقیق در دنیای معاصر ، در دنیای معاصر دیگر فعلا به ذکر صفحه ی تنها اکتفا نمی کنند هم صفحه را می آورند هم به اصطلاح عبارة اخرى سطر را می آورند سطر فلان در همین کتابی که هست همین آلمانی نوشته است جامعه و کلام ، اصلا سطر

یکی از حضار: جلد پنجمش هم آمد .

آیت الله مددی: چاپ شد جلد پنج؟

یکی از حضار: بله همه متن است، همه‌ی متن‌ها را

آیت الله مددی: بله آن سطر هم دارد یعنی این دقت و این به نظر من یا سطر یا از این بهتر آن یک تکه عبارتی که دلالت می‌کند ای کاش می‌آوردند.

یکی از حضار: ایشان آورده است، همین جلد پنجم آورده است همه را.

آیت الله مددی: این جلد‌های قبلی فقط سطر، جلد قبلی که من دیدم فقط سطر بود.

یکی از حضار: نه جلد ۵ کامل متنی است که ایشان از جلد اول تا چهارم آورده است متون است، قطعه قطعه آورده است.

آیت الله مددی: من چون ندیدم خبر ندارم.

این چون آقا ببینید سرش روشن شد یک دفعه یک مطلب مثلاً مبحث شیخ است این مهم نیست سطر و عبارت، یک دفعه این مثلاً نیم سطر عبارت است یک سطر، دقت می‌کنید این در این صفحه‌ی کتاب چاپ ملا رحمة الله بزرگ است دیگر چاپ بزرگ این خوب بود که متن عبارت را می‌آورد خود مرحوم کاظمی نیاورده اینکه تحقیق کرده کتاب را ارجاع داده به رسائل صفحه‌ی فلان، این ارجاع به صفحه کافی نیست مطلبی که ایشان انجام داده است.

یظهر من الشیخ قده فی آخر مبحث الاشتغال عند التعرض،

این را البته دارد ایشان، ایشان در بحث بعد از اشتغال آن وقت شرایط اصول را هم که آورده براءت و اشتغال ولو آخر اشتغال است چون عرض کردم این رساله‌ی شیخ عرض کردم نسخه‌ی اصلی که از روی آن استنساخ کرده مرحوم آشتیانی من دیدم، دارم تصویرش را دارم، اصلاً چهارتا رساله است، رساله‌ی شیخ چهارتا است و لذا اسمش هم رسائل بود، این فرائد الاصول بعد یکی از شاگردان شیخ انجام داد یا شاگردان شاگردان و الا اسمش رسائل است.

اولش رساله حجیة المظنة که مقدمتا حجیت قطع را دارد این حجیت قطع در خود کتاب اصل نیست مقدمه‌ی بحث حجیة المظنة است دومش رساله البرائة والاشتغال است، سومش الرسالة الاستصحابیة، چهارمش هم تعادل و ترجیح، چهارتا رساله که شیخ رحمه الله

نوشتند عرض کردم من نسخه‌ی اصلی را که به قلم شاگرد ایشان مرحوم آشتیانی است دارم که ۱۸ سال قبل از وفات شیخ استنساخ کرده است نزد نوه‌ی ایشان بود گرفتم از او فتوکپی گرفتم .

علی ای حال این تقریبا می شود گفت اصح نسخ کتاب وسائل این است الان لکن متأسفانه شیخ عده‌ای از عبارات خودش را عوض کرده است در این نسخه کاملاً مشخص است .

یکی از حضار: حاج آقا ظاهر در زمان حیات خود شیخ رسائل تدریس شده است ؟

آیت الله مددی: چاپ شده است اصلاً .

یکی از حضار: در حیات خود ایشان ؟

آیت الله مددی: بله چاپ شده است ، هست یک جلد است چاپ شده است ، دیدم من چاپ سنگی قدیم است ، دیدم ، چاپ هم دارد خودش .

دقت کردید آقا در آنجا در این نسخه‌ی خطی امتیازش این است مثلاً یک صفحه را خط زده است بعد در حاشیه نوشته این خط زدگی صحیح است معلوم می شود این دوره‌ی اخیر مرحوم شیخ یک اصلاحاتی خودش روی کتاب کرده است ولی متأسفانه این اصلاحات در حدود قطع است زیاد نیست ، یا بعضی از عبارت را خط زده جور دیگری نوشته ، نوشته این صحیح است یا شیخ مثلاً به خط ، این اصلاحات را دارد این اصلاحاتی را که مرحوم آقای آشتیانی اصلاحات را در نسخه‌ی خودش دارد و این اصلاحات خوب است اما حیف که کل کتاب نیست ، اگر کل کتاب را اصلاح می کردند شاید اصلاً نظرات عوض می شود وضع عوض می شود علی ای ، کار خود شیخ است این اصلاحات کار خود شیخ است اینکه بعضی از نسخ رسائل مخصوصاً در اولش اختلاف دارند منشأش این است .

یا نسخه‌ی اولیه نوشتند این بعد اصلاحات شیخ را ندیدند دقت کردید ، آن نسخه‌ای که من دارم اصلاحاتی که شیخ کرده است دارد درش و معین هم کرده است خط زدگی نوشته است یک صفحه را نوشته خط زده است بعد هم در حاشیه اش نوشته این خط زدگی صحیح است لکن به نظرم تا وسط‌های حجیت قطع است همه‌ی حجیت قطع هم نباشد ، این اصلاحات تا کجاست الان در ذهنم نیست اما زیاد نیست حتی همان حجیت المظنة را هم تمامش اصلاحات را ندارد .

ادراج المقام في باب المقدمات المفوتة ،

این را از باب مقدمات مفوته قرار داده من الان در ذهنم نیست و لذا هم عرض کردم نشد هم مراجعه کنم به رسائل اینجایی که ایشان اشاره فرمودند اما اینکه اجمالا این مطلب را گفته باشند این چرا چون عده ای هستند که اصولا باب علم را با قدرت خلط می کنند مرحوم نائینی می خواهد بگوید باب علم نباید با قدرت خلط بشود ، علم یک مقوله است ، قدرت حساب دیگری دارد ، جهل یک مقوله است ، عجز حساب دیگری دارد .

در معاملات هم همینطور است مخصوصا عرض کردم در این کتاب سنهوری خیلی این غربی ها فروع زیادی را در این جهت بین این حالاتی که خیلی نزدیک هم هستند مثلا عرض کردیم در حدیث رفع یک نسخه اش هست خطا و نسیان و سهو معروف خطا و نسیان است یک نسخه اش هم هست سهو هم اضافه شده است آن وقت آقایان باید بحث بکنند بین خطا و نسیان و سهو فرقی چیست مثلا .

علی ای حال ایشان نقل کردند چون دیگر وقت رفت برق هم که نیست دیگر باشد برای فردا ان شاء الله تعالی .

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين